

شبکه نمایش فیلم سینمایی «آبادان یازده ۶۰» را روی آنتن می‌برد. این فیلم به کارگردانی مهرداد خوشبخت پنجشنبه ۲۳ اسفند ساعت ۱۵ پخش می‌شود. در این فیلم خواهیم دید: سال ۱۳۵۹ خرمشهر سقوط می‌کند و به دست عراقی‌ها می‌افتد. دشمن تا یک قدمی آبادان پیشروی می‌کند، اما کارکنان رادیو نفت آبادان حاضر به خالی کردن ساختمان رادیو نمی‌شوند. آنها

«آبادان یازده ۶۰» روی آنتن می‌رود

برادر کوچک بهتاش. این بار او را در نقش تورج در سریال بدل می‌بینیم. از پیشنهاد نقش تورج برای مان بگویید.

ابوالفضل رجبی، بازیگر نقش تورج: یک روز که داشتم در خانه مان ماست و چیپس می‌خوردم، آقای زاهدیان دستیار یک آقای مسعودی، تماس گرفتند و گفتند سریالی تلویزیونی داریم که احتمالا از شبکه سه پخش خواهد شد. من هم یک مقدار قبیی آمدم و گفتم «باشه بهتون خبر می‌دم» بعد در دلم قبول کردم، کارهای علی آقا را دیده بودم.

[۱] احتمالا بعد از دریافت پیشنهاد بشکن زدید؟
رجبی: بله، یک دور، دور خانه چرخیدم. چند ساعت بعد خودم تماس گرفتم و برای گفت‌وگو قرار گذاشتم. رفتم دفتر و علی آقا را دیدم. ایشان بیشتر از این‌که با راجع به کار صحبت کنند، راجع به اخلاق، آینده و این دست مسائل صحبت کردند.

خودشان شخصیتی دارند که اگر کسی ذهنیت منفی‌ای نسبت به آنها داشته باشد و فرصتی یک‌ساعته برای بودن در کنارشان پیدا کند، همه آن ذهنیت منفی، پاک خواهد شد. این قدر که ایشان همه جوړه خوب هستند و با هر مدل آدمی کنار می‌آیند. این داستان اضافه‌شدن من به پروژه بدل بود.

[۲] پسر کوچک خانواده عطاران را چگونه دیدید؟
رجبی: پسر کوچک خانواده عطاران دنیای

جالبی دارد. تورج در خانواده عطاران پیش از آمدن رضا برای خودش در خانواده حکومت می‌کرد. رضا که می‌آید بین‌شان کل‌کل‌هایی اتفاق می‌افتد که بامزه است. البته بین تورج و پدرش هم کل‌کل‌هایی وجود دارد. امیدوارم که مخاطب این شوخی‌ها را دوست داشته باشد. من هم از موقعیت‌های خنده‌آفرین بده‌بستانی خوشم می‌آید.

[۳] در پایتخت هم با بهتاش در مقام برادر کل‌کل داشتید.

رجبی: بله، آنجا هم برادری داشتم که با او کل‌کل می‌کردم، اما جنس شوخی‌ها آنجا متفاوت بود.

[۴] پایتخت شما را به دنیای بازیگری معرفی کرد. سریال بدل برای شما در مسیر حرفه‌ای چه آورده‌ای داشته است؟

رجبی: بدل برای من تجربه خیلی خوبی بود. هرچند که در پایتخت جزو بازیگران اصلی بودم اما در هر قسمت نه‌لاینا پنج سکانس بازی کردم. آنچه‌که در بدل اتفاق افتاد این بود که چون عضوی از خانواده اصلی قصه هستم سکانس‌هایی را رهبری کرده و پیش می‌بردم. هر کارگردانی که سریال را آنالیز کند متوجه خواهد شد که آیا بازیگر باتوجه به سکانس‌هایی که عهده‌دار بوده توانسته از پس نقش برپایید یا خیر. بدل از این جنبه برایم خوب بود. توانستم توانمندی خودم را بیش از پیش به تصویر بکشم. از علی آقا بابت اعتمادی که داشتند ممنونم.

[۵] بازی روبه‌روی شهرام قاندی راحت بود؟

رجبی: در کشورمان تعداد کمی از بازیگران وجود دارند که در بازی از خودگذشتگی نشان دهند. درحالی‌که ایشان در بازی مکملی که با هم داشتیم، تعامل بسیار خوبی با من داشتند. در یک سکانس که در حیاط خانه فیلمبرداری می‌شد، ایشان به‌شدت در کمک به من برای

می‌خواهند وظیفه‌شان را در قبال خبررسانی و روحیه دادن به مردم انجام دهند ...

علیرضا کمالی، حسن معجونی، ویدا جوان، شبنم گودرزی، حمیدرضا محمدی و نادر سلیمانی در «آبادان یازده ۶۰» ایفای نقش می‌کنند. این فیلم سینمایی محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج، روایتی متفاوت از غیرت مردم آبادان می‌گفتند چطور بازی کنم، ادای جملات به چه شکل باشد و کجا باید مکث نمایم. در این شرایط ناگهان اصلا دیالوگ خودشان را فراموش کردند. به قدری از خودگذشتگی داشتند که حاضر بودند بازیگر مقابل بیشتر از خودشان دیده شود. همیشه به من می‌گفتند اگر بتوانی تورج در بدل را درست از آب دریاوری و آنچنان که باید و شاید دودستی نقش را چپسویی که مخاطب او را دوست داشته باشد قطعاً می‌توانی در طنز علی صادقی جدیدی را به این ژانر معرفی کنی. این روزها هم در مواجهه خیابانی با مردم بازخورد‌های خوبی گرفته‌ام. همین امروز هم که آمدم روزنامه جام‌جم چند نفر در ورودی موسسه جلوی من و آقای مسعودی را گرفتند و ابراز محبت داشتند.

[۶] ماهان عبدی بازی روبه‌روی شهرام قاندی را چگونه دید؟

عبدی: بازی روبه‌روی آقای قاندی باکلی آموزش برایم همراه بود.

[۷] آنجاهایی که از دست‌تان عصبانی می‌شدند چطور بود؟

عبدی: هم آقای مسعودی از دستم عصبانی شدند و هم آقای قاندی. از هر دو عزیز نکات زیادی یاد گرفتم.

[۸] از سکانسی برای‌مان تعریف کنید که زیر تخت قهوه‌خانه مخفی شده بودید و با مکرم عطاران

رخ‌دررخ قرار گرفتید.

عبدی: آن سکانس، سکانس سختی بود. به دلیل ۲۰-۳ ساعت زیر تخت‌ماندن عظامم گرفته بود. ابوالفضل (رجبی) آندمرامیرون بکشد، زورش زیاد است، نزدیک بود سرم بخوره به‌تخت و بشکند. فیلمبرداری بدل در زمستان انجام شده. در آن سکانس روی زمین دراز کشیده بودم و زمین فوق‌العاده سرد بود. آن سکانس برداشت‌های مختلفی داشت که من هم باید آن زیر می‌ماندم، چاره‌ای نداشتم، بیرون آمدم و دوباره زیر تخت رفتن زمان بر بود و وقت راتف می‌کرد. به همین دلیل تمام آن ۲۰۳ ساعت زیر تخت ماندم و عضلاتم کمرم گرفت. حالا فکر کنید در بخشی از آن زمان باید با آقای قاندی هم رخ‌دررخ می‌شدم. البته پلان‌های زیادی روبه‌روی ایشان داشتم که نمی‌شد جلوی خنده‌ام را بگیرم و واقعا می‌خندیدم.

[۹] از سختی‌های تولید سریال برای کارگردان بگویید.

علی مسعودی: وقتی متنی را می‌نویسی و قرار است آن را کارگردانی کنی، به لحاظ احساسی به آن مانند بچه‌ات نگاه می‌کنی. لحظه به لحظه اثر برایت مهم است. ۲۰ خرده‌ای سریال را نویسندگی کرده‌ام. سه در چهار، قراگاه مسکونی و... ولی این سه‌اثری که کارگردانی کردم حساسیت خاص و عجیبی را در من ایجاد کرده است. مخصوصاً در این آخری (بدل). اینجا جایش نیست که از خیلی مسائل حرف بزنم. اما اگر دستگاهی بود تا میزان اذیت‌شدنم را در زمان تولید و این یک‌سالی که سپری کردیم تا به آنتن برود را اندازه بگیرد، به رقم عجیب و غریبی می‌رسید. هرچند با بچه‌ها خیلی به من خوش گذشت، اما شرایط تولید بدل برایم به‌شدت اذیت‌کننده بود. هرچقدر در نوروز رنگی همه چیز خوب پیش رفت در این مورد اذیت شدم.

[۱۰] چه چیزی در بدل نسبت علی مسعودی را با آن فراموش نشدنی می‌کند.

علی مسعودی: بدل برایم اثری است که از زیست خودم در آن یادگار به جا گذاشتم. من از اسام پدر و مادر و دایمی و اطرافیانم برای شخصیت‌ها استفاده کردم. تقریباً تمام اسم‌هایی که در سریال کار شده، اکثراً از اسامی فامیل خودم است. این سریال را بیش از دیگر سریال‌هایم دوست دارم. حتی عکس‌هایی که روی دیوار خانه مکرم است همگی از خانواده و فامیلم هستند. یک دیالوگ در سریال است که می‌گوید «عزت نیستم اگر این کار را نکنم.» این دیالوگ ننه خداییارمزم بود. چند صحنه در قسمت‌های جلوتر در این سریال است که دقیقاً ننه و آقای خداییارمزم را یادآوری می‌کنند. بدل حاصل یخشی از خاطرات زیسته خودم است. همان‌طور هم که گفتم همه عوامل از بازیگران تا عوامل پشت صحنه همراه و همپایم بودند. یک «ولی!» دارد که آن را هم نمی‌خواهم الان بگویم.

[۱۱] با این میزان از ارتباط شخصی با بدل باید هر شب آن را ببینید.

مسعودی: اگر اشتباه نکنم سه بار در روز بدل را می‌بینم. یک بار با پخش اصلی و دو بار هم بازپخش سریال رامی‌بینم. **رجبی:** بعد اذان که می‌بینند می‌خوانند. برای بازپخش اول دیدار می‌شوند و می‌بینند. «دوباره می‌خوانید تا ۸ صبح که بیدار می‌شوند و بازپخش بعدی را هم می‌بینند و نهایتاً بازپخش ظهر را هم می‌بینند. روی هم چهار بار هر قسمت را تماشا می‌کنند.

[۱۲] آنچه که در بدل می‌بینیم، مرادواتی است که در این دوره و زمانه کمتر اتفاق می‌افتد. مثلاً ارتباطات نزدیک خانواده و فامیل و همسایه‌ها. محله‌ای که پویاست. از اینها برای‌مان بگویید.



در شکست حصر این شهر در ابتدای جنگ با عراق است.

این فیلم را باید از آثار خاطره‌ساز در حوزه مقاومت دانست که تلاش کرده بود به شیوه‌ای متفاوت، تلاش گروه‌های خاص برای انتقال اخبار به مردم را روایت کند. آبادان یازده ۶۰ پیش از این نیز از شبکه‌های دیگر پخش شده بود.

مسعودی: خیلی دوست داشتم نسل امروز ارتباطات و معاشرت‌های روزگار خودمان را ببینند.

البته این روابط هنوز در شهرستان‌ها وجود دارد. شاید در تهران و یا در مناطق بیشتر برخوردار این دست معاشرت‌ها رنگ باخته باشد. به‌هر حال عامدانه و از روی علاقه‌مندی از روابط خانودگی و همسایه‌ها و محله در بدل استفاده کردم. این دست ارتباطات باعث می‌شد همه بار و کمک حال هم باشند. این چند قسمتی که پخش شده بازخورد خوبی گرفته است. نظرات مثبت زیادی گرفته‌ام.

[۱۳] یکی از دغدغه‌های مطرح در سریال بدل، اصرار بر ازدواج رضا است. عرفان آصفی به‌عنوان بازیگری که این نقش را ایفا کرده، چقدر با این دغدغه همسو است؟

آصفی: از زبان رضا بگویم؟

[۱۴] یک بار در قالب رضا بگویید. بار دیگر عرفان آصفی.

آصفی: من و رضا جفت‌مان فعلا نمی‌توانیم ازدواج کنیم. سخت است. رضا اول باید گندی که زده را جمع کند. بعد ازدواج کند. من هم اول باید بتوانم مقدمات را فراهم کنم. بعد به فکر ازدواج باشم. الان برای من ازدواج دغدغه نیست. صادقانه بگویم الان نمی‌توانم به ازدواج فکر کنم. در سریال بدل نکات مثبت زیادی ترویج شده. مثل خانواده، احترام، محله، سفره خانوادگی و فامیل. معتقدم این نکات هم باید ترویج شود. علی‌آقا در این سریال هم به‌درستی نکاتی را یادآور شده‌اند اما برای رسیدن به ازدواج نیاز به تأمین مالی است. اگر به‌لحاظ مالی تأمین بودم، حتما اقدام می‌کردم.

رجبی: من اگر با این سنم در دهه ۶۰ هم بودم، دو سال دیگر ازدواج می‌کردم. آن زمان شرایط متفاوت بود و امکان ازدواج وجود داشت.

[۱۵] از شخصیت‌های قدیمی مسلک سریال حاج مرتضی است. روحانی سریال بدل، چقدر شبیه روحانیون این روزهای دنیای واقعی ماست؟

برش

+

بدل در یک خط

رجبی: بدل می‌تواند نماد ساده‌زیستن در دنیای مدرن امروز باشد. **عبدی:** بدل برای من با یک ای‌کاش بزرگ همراه است. آن هم این‌که ای‌کاش برمی‌گشتم به دهه ۸۰.

آصفی: بدل مصداق زندگی است. زندگی‌ای که فراموشش کردیم و دوست داریم این زندگی را داشته باشیم. البته تأکید دیگرم روی این موضوع است که یادمان نرود آیین سیاس رابزرگوار و از آدم‌هایی که در مسیر به مامکک کردند، تشکر کنیم. بدون هیچ تعارفی، علی مشهدی خیلی به من لطف داشته و دارد. از رضا عطاران و مهران قربانی هم ممنونم که من را به علی آقا معرفی کردند. قدردانی‌این است که بگویم به این افراد خیلی ارادت دارم.

جام جم

رسانه

MEDIA

پنجشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۳ ■ شماره ۷۰۵

محمد اسلامی: حاج مرتضی شبیه روحانیون همین جامعه است. این درحالی است که این روزها این نوع روحانیون سانسور می‌شوند و بیشتر روحانیون تلخ و سرد به تصویر کشیده می‌شوند. این روحانیون کم هستند و بالطبع کمتر دیده می‌شوند. حاج مرتضی خیلی آدم دستگیر و باحالی است. این روحانی شبیه آدم‌های قدیمی است.

[۱] نظر اطرافیان‌تان نسبت به ایفای نقش حاج مرتضی چیست؟

اسلامی: خانواده‌ام متعقدند حاج مرتضی بانمک است. البته هنوز داستان‌های حاج مرتضی در بدل شروع نشده. این شخصیت در ادامه بدل نقش کلیدی‌ای در سریال خواهد داشت. نمی‌توان بیش از این صحبت کرد، چرا که داستان لو می‌رود. باید سریال را دید و با حاج مرتضی همراه شد.

[۲] در بدل یک سری شخصیت‌ها و موقعیت‌های آشنا با دیگر سریال‌ها هم وجود دارد. یکی از شخصیت‌های قهوه‌خانه شبیه نورالله خازنده است.

مسعودی: بله. این پسر (بازیگر نقشی که ادای نورالله خازنده را در می‌آورد) آمد و تست داد. از او پرسیدم که آیا می‌تواند هنر خاصی را انجام دهد. گفت که بله، می‌تواند مانند سعید آقاخانی در نون‌خ عمل کند. من از او خواستم کمی صحبت کند. البته بعد به سعید اطلاع دادم و از او اجازه گرفتم که آیا می‌توانم از این شخصیت در قهوه‌خانه سریال استفاده کنم. چون برایم مهم است که دوستانم از من ناراحت نشوند. بنابراین در موارد این چنینی، اجازه می‌گیرم. سعید هم اعلام رضایت کرد.

[۳] در سکانسی که اهالی محل رضا را برای رفتن به سازمان هوا و فضا همراهی می‌کنند هم شبیه سریال نون‌خ شده است.

مسعودی: البته در آن سکانس بخشی را حذف کرده‌اند که باعث سکنه شده است. آن بخش در واقع در خواب رضا می‌گذرد، به همین علت با توجه به تم کم‌دی سریال، خواب را شبیه موقعیت‌هایی از نون‌خ طراحی کردم.

اسلامی: با دوبیتی از مولانا می‌خواهم بدل را تعریف کنم: «هر لحظه که تسلیم‌دم در کارگه تقدیر/ آرام‌تر از آهو، بی‌تاک‌تر از شیرم/

هر لحظه که می‌کوشم در کار کنم تقدیر/ رنج از بی‌رنج آید، زنجیر پی‌رنجبر» همیشه سعی کردم مثل قایقرانی باشم که پاروهایم را جمع‌کرده و گذاشته‌ام در قایق و دل بسته به امواجم. ایده‌ام این است که به این‌شکل راحت‌تر پیش خواهیم رفت.

مسعودی: در نزدیک به ۲۹ سال حدود ۲۷ سریال کار کرده‌ام و تجربه‌ای که در این کار به‌دست آوردم عجیب و غریب بود. آن هم این‌که اگر قرار است کار کنی، تلاش کن با آدم‌های بزرگ کار کنی. مثلی داریم که می‌گوید شیر نمی‌تواند با کفتار در بیشه‌ای زیست کند. چرا که کفتار حد و اندازه زیست کنار شیر ندارد. در مسیر تهیه و تولید بدل من فهمیدم که خیلی مهم است کنارت چه کسانی را بچینی یا به‌قولی بال‌هایت چه افرادی باشند. گاهی بالی به تو پیوست می‌شود که از جایی به بعد متوجه خواهی شد که نه تنها بالت نیست که و بالت هم شده و به جایگاهت چشم‌دخته است. بدل در یک جمله بخشی از زندگی گذشته من است.

[۴] فکر می‌کنید امکان تکرار این زندگی وجود دارد؟

مسعودی: من در تمام کارهایم بخشی از زندگی‌ام را تکرار می‌کنم. در پایان، لازم است که از دکتر جیلی به‌طور ویژه تشکر کنم. ایشان به‌شدت افتاده و خاکی هستند. البته در حال حاضر نمی‌خواهم دلیل اصلی تشکرم را بیان کنم؛ شاید در آینده این موضوع را توضیح دهم. همچنین از مدیران محترم سیمافیلم، آقایان نقویان و نقی، تشکر می‌کنم. از دکتر جواد رمضان‌نژاد نیز قدردانی می‌کنم. زیرا این طرح ابتدا در زمان ایشان تصویب شد اما وقتی آقای نقویان و آقای نقی به تیم پیوستند، پیگیری ادامه کار را بر عهده گرفتند. در بسیاری از مراحل، آقای نقی و آقای نقویان از من حمایت کردند تا کار به نتیجه برسد. بنابراین خنده‌های مخاطبان با این فیلم را حاصل حمایت این عزیزان می‌بینم.

قاب



کاشیا به دیار خود رسیدند

برنامه کاشیا، یکی از برنامه‌های پرمخاطب رادیو مخابرات. این برنامه در هفته جاری، روایتی از امیر و مریم، خواهر و برادر کاشانی را خواهد داشت که به دیار خود بازگشته و با استفاده از نمایش‌های طنز و لهجه محلی، شنوندگان را به سفری شاد و مفرح در جاذبه‌های گردشگری کاشان دعوت می‌کنند: از باغ فین تا بازار سنتی. این برنامه فرصتی است برای کشف زیبایی‌ها و فرهنگ غنی این شهر تاریخی.

پویش «۱۰۰۱ امید» برای آزادی زندانیان

برنامه «۱۰۰۱» به مناسبت ماه رمضان و آغاز سال نو با همراهی ستاد مردمی دیه کشور، پویشی برای آزادسازی زندانیان جرایم غیرعمد راه‌اندازی کرده است. این برنامه از مهمانان و مخاطبان خود دعوت

می‌کند تا با مشارکت در پویش «۱۰۰۱ امید»، زمینه آزاد شدن ۱۰۰۱ زندانی جرایم غیرعمد را در ایام عید فطر فراهم کند.

این برنامه با اجرای محسن کبابی و همراهی شخصیت عروסקی جناب‌خان، سه‌شنبه تا جمعه، ساعت ۲۲:۴۰ روی آنتن شبکه نسیم می‌رود. هر قسمت از ۱۰۰۱ حول محور یک عدد خاص می‌چرخد که سوزه‌ها و موضوعات مرتبط با آن عدد در برنامه مطرح می‌شود. این برنامه به تهیه‌کنندگی و کارگردانی فریدالدین نیکجو ساخته شده و طراح و مدیر هنری آن محمد بحرانی است. در این برنامه چند وقتی است جناب‌خان مدیران را مورد سوال قرار داده و از آنها در امور مختلف مطالبه‌گری می‌کند.



پنجره

پویش «۱۰۰۱ امید» برای آزادی زندانیان

دریچه

«دستورات عاشقانه ورازهای مرگبار» تماشایی شد

سریال «دستورات عاشقانه ورازهای مرگبار» در گونه جنایی، درام و معمایی محصول آفریقای جنوبی و انگلستان در سال ۲۰۲۲، قرار است از شبکه تماشا پخش شود.

مدیر دوبله این سریال زهره شکوفنده و صدابردار آن فرشید فرجی است. این سریال درباره تانی ماریا، آشپزی خارق‌العاده است که در شهر کوچکی در آفریقای جنوبی زندگی می‌کند و بعد از این‌که زنی از اهالی به قتل می‌رسد متوجه می‌شود که به معماهای جنایی نیز علاقه‌مند است و با کمک دوستانش و دیگر اهالی برای پرده‌برداری از راز این جنایت می‌کوشد و سرانجام موفق به شناسایی قاتل می‌شود.

یکی از الگوهای جذاب داستان‌پردازی در سینما و تلویزیون این است شخصیت اصلی که مشغول زندگی روزمره و علاقه‌مندی‌ها و دغدغه‌های مربوط به آن است، ناگهان با رویدادی مواجه شود که او را متوجه استعدادها و توانایی‌های جدید و متفاوتی از خودش کند.

